

بررسی مسئولیت مدنی دبیران و معلمان تربیت بدنی در کلیه مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش نسبت به دانش آموزان

فاضل عباسی منش^{۱*}

حمید ثامری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

چکیده

تربیت بدنی در مدارس از دروس مهم و در عین حال پرریسک نظام آموزشی محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی مسئولیت مدنی دبیران و معلمان تربیت بدنی در کلیه مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش نسبت به دانش آموزان انجام شده است. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش کیفی - اسنادی به تحلیل قوانین، رویه قضایی، مصاحبه با معلمان تربیت بدنی و تحلیل گزارش‌های مدارس در سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم پرداخت. یافته‌ها نشان داد که ضعف آگاهی حقوقی معلمان، نبود دستورالعمل‌های ایمنی، تجهیزات فرسوده و تفاوت‌های سنی دانش آموزان از عوامل مؤثر در بروز حوادث و افزایش احتمال مسئولیت مدنی هستند. همچنین مشخص شد که میزان و نوع مسئولیت معلمان در هر مقطع تحصیلی تفاوت دارد و توجه به این تمایزها در سیاست‌گذاری آموزشی ضروری است. طراحی پروتکل‌های ایمنی، آموزش حقوقی ضمن خدمت، فراهم‌سازی تجهیزات استاندارد و ایجاد پوشش بیمه‌ای حرفه‌ای می‌تواند به کاهش حوادث و ارتقای کیفیت آموزش تربیت بدنی منجر شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت مدنی، تربیت بدنی مدرسه‌ای، ایمنی ورزشی، معلم، آموزش و پرورش

۱. دانش آموخته رشته حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه بین‌المللی خلیج فارس، ایران. نویسنده مسئول.

۲. دانش آموخته رشته مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور واحد اروندکنار، ایران.

مقدمه

تربیت بدنی به عنوان بخشی اساسی از نظام آموزشی، نقشی بنیادین در رشد جسمی، روانی و اجتماعی دانش آموزان ایفا می‌کند. فعالیت‌های ورزشی مدرسه‌ای نه تنها موجب تقویت قوای بدنی، بلکه سبب ارتقای مهارت‌های اجتماعی، تقویت روحیه همکاری، اعتماد به نفس و کاهش استرس در کودکان و نوجوانان می‌شود (Bailey, 2006). در ایران، آموزش تربیت بدنی به عنوان یکی از دروس رسمی، از مقطع ابتدایی تا پایان دوره متوسطه اجرا می‌گردد؛ اما ماهیت پرتحرک و گاه پرخطر فعالیت‌های ورزشی، احتمال بروز حوادث ناگهانی یا صدمات بدنی را نیز به طور طبیعی افزایش می‌دهد. در شرایطی که دانش آموزان در سنین رشد قرار دارند و توان ارزیابی مخاطرات جسمانی را به طور کامل ندارند، مسئولیت مراقبت و هدایت ایمن آنان بر عهده معلمان و به ویژه دبیران تربیت بدنی است؛ بنابراین، هرگونه اهمال، قصور در نظارت، یا بی‌توجهی به اصول ایمنی می‌تواند موجب ورود صدمات جدی به دانش آموزان گردد و مسئولیت مدنی معلمان را به دنبال داشته باشد (Vaz et al., 2017). در حقوق مدنی ایران، اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر، زیان و رابطه‌ی سببیت است و در صورت احراز این عناصر، شخص مسئول مکلف به جبران خسارت وارده می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، مسئولیت معلمان تربیت بدنی دارای پیچیدگی خاصی است، زیرا آنان نه تنها نقش آموزشی دارند، بلکه به دلیل حضور مستقیم در فعالیت‌های فیزیکی دانش آموزان، وظیفه مراقبت مستمر از سلامت جسمی آنان را نیز بر عهده دارند. در این چارچوب، تعادل میان تربیت فیزیکی مؤثر و ایمنی دانش آموزی، به یکی از چالش‌های جدی نظام آموزش و پرورش تبدیل شده است (Faigenbaum et al., 2009). این چالش در مقاطع مختلف تحصیلی شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. برای نمونه، در مقطع ابتدایی، خطر آسیب‌های غیرمترقبه بیشتر به دلیل ضعف جسمانی و درک کمتر کودکان از خطر بروز می‌کند؛ حال آن‌که در مقطع متوسطه، با افزایش شدت و سرعت بازی‌ها، احتمال حوادث ناشی از بی‌احتیاطی یا رقابت نادرست بیشتر می‌شود. (Silverman & Mercier, 2015) مطالعات تطبیقی نیز نشان داده‌اند که در بسیاری از کشورها، معلمان تربیت بدنی ملزم به رعایت استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای در حوزه ایمنی و مراقبت هستند و در صورت وقوع حادثه، مسئولیت آنان بر اساس درجه تقصیر، امکانات موجود و میزان اقدامات پیشگیرانه ارزیابی می‌گردد (Capel & Whitehead, 2019). با این حال، در نظام آموزش و پرورش ایران، نبود دستورالعمل‌های جامع در زمینه رفتارهای ایمن، فقدان آموزش حقوقی کافی به معلمان و نبود نظام‌های نظارتی مؤثر، موجب شده است که مسئله‌ی مسئولیت مدنی در این حوزه کمتر مورد توجه قرار گیرد یا به صورت مقطعی و غیرسیستمی بررسی شود (رئیزی، ۱۳۹۸).

این اساس، هدف این پژوهش، بررسی دقیق ابعاد حقوقی و عملی مسئولیت مدنی دبیران و معلمان تربیت بدنی در تمامی مقاطع تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول و دوم) است. تمرکز اصلی پژوهش بر شناسایی مصادیق تقصیر، تحلیل وضعیت حقوقی و قانونی حاکم بر روابط معلم - دانش آموز در حوزه تربیت بدنی و ارائه پیشنهادها و سازگاری است. از جمله پرسش‌های کلیدی تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: چه عواملی موجب تحقق مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی می‌شود؟ چه تفاوت‌هایی میان مسئولیت در مقاطع تحصیلی مختلف وجود دارد؟ نقش نظام آموزش و پرورش در پیشگیری از حوادث ورزشی چیست؟ اهمیت این پژوهش در آن است که با تأکید بر ابعاد عملی و حقوقی مسئولیت، ضمن ارتقای آگاهی دبیران تربیت بدنی از الزامات قانونی، می‌تواند به تدوین دستورالعمل‌های اجرایی برای کاهش حوادث ورزشی در مدارس منجر شود. همچنین از منظر حقوقی، این تحقیق تبیینی است برای تعیین حدود

مسئولیت فردی معلمان در چارچوب وظایف حرفه‌ای‌شان و نیز تحلیل حقوقی جبران خسارت در حوادث مدرسه‌ای. در نهایت، امید است نتایج این پژوهش بتواند در بازنگری سیاست‌های ایمنی ورزشی در مدارس، آموزش اصول مراقبتی به معلمان و نیز شکل‌گیری نهادهای حمایتی در برابر مخاطرات حقوقی پیش‌رو مؤثر واقع گردد.

مبانی نظری

مفهوم و مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و تطبیقی

مسئولیت مدنی از جمله مفاهیم بنیادین حقوق خصوصی است که به معنای الزام شخص به جبران خسارتی است که در اثر فعل یا ترک فعل او به دیگری وارد آمده باشد، مشروط بر وجود سه عنصر: فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه‌ی سببیت میان آن دو (Lunney & Oliphant, 2023). در حقوق ایران، این مسئولیت بر اساس نظریه تقصیر استوار است و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت تقصیر را پایه الزام به جبران خسارت می‌دانند. در نظام‌های حقوقی تطبیقی، تفاوت‌هایی در مبانی مسئولیت مشاهده می‌شود. برای نمونه، در نظام حقوقی فرانسه، مسئولیت مدنی نه تنها بر تقصیر فردی بلکه در برخی موارد بر مبنای خطر یا مسئولیت بدون تقصیر نیز برقرار می‌شود (Mazeud et al., 2022). به عنوان نمونه، اگر فعالیتی ذاتاً خطرناک تشخیص داده شود (مانند ورزش‌های پرتحرک)، حتی در صورت رعایت تمامی اصول احتیاطی، شخص مسئول ممکن است مکلف به جبران زیان گردد. در حقوق انگلستان نیز مفهوم «duty of care» و «standard of care» بسیار حائز اهمیت است. در پرونده معروف *Donoghue v. Stevenson (1932)*، دیوان عالی انگلستان اصل بنیادینی را در حوزه مسئولیت مدنی بنیان نهاد که مبنای بسیاری از دعاوی در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و ورزش قرار گرفته است. (Cooke, 2021) در حقوق ایران نیز در کنار نظریه تقصیر، قضاوت در برخی موارد به نظریه‌های مکملی مانند مسئولیت مبتنی بر خطر (مثلاً در مورد استفاده از ابزار خطرناک در ورزش) توجه نشان داده‌اند. از این منظر، اگر معلم تربیت بدنی از وسایل یا روش‌هایی استفاده کند که با سن یا توان جسمی دانش‌آموزان متناسب نباشد، حتی در نبود سوءنیت یا غفلت آشکار، امکان تحقق مسئولیت وجود دارد (شمس، ۱۴۰۱). عنصر رابطه سببیت نیز از ارکان کلیدی این نوع مسئولیت است. در تحلیل‌های قضایی، اثبات اینکه اقدام معلم مستقیماً منجر به حادثه شده است، چالش‌برانگیز است؛ زیرا در محیط‌های پویا همچون کلاس‌های ورزش، عوامل متعددی ممکن است در وقوع حادثه دخیل باشند. در این شرایط، دادگاه‌ها معمولاً با استفاده از معیار "عامل غالب" یا "علت قریب" به تحلیل می‌پردازند. (Owen, 2020) با توجه به جایگاه حساس معلمان در نظام آموزشی و اعتماد والدین به مدرسه، برخی از حقوق‌دانان ایرانی پیشنهاد داده‌اند که در حوزه آموزش و پرورش، مدل خاصی از مسئولیت مدنی با تمرکز بر وظایف حرفه‌ای تعریف شود تا از یک‌سو حقوق دانش‌آموزان حفظ گردد و از سوی دیگر معلمان نیز در چارچوبی روشن فعالیت نمایند (جلالی، ۱۴۰۰). چنین رویکردی می‌تواند به کاهش اختلافات حقوقی و پیشگیری از بروز حوادث منجر شود.

استانداردهای ایمنی، مراقبت و نظارت در تربیت بدنی مدارس

تربیت بدنی، به ویژه در محیط مدرسه، ماهیتی متفاوت از دیگر دروس نظری دارد، چرا که مستقیماً با فعالیت‌های جسمی دانش‌آموزان سروکار دارد. این ویژگی، لزوم رعایت مجموعه‌ای از استانداردهای ایمنی، اصول مراقبتی و شیوه‌های نظارتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در نظام‌های آموزشی پیشرو، این استانداردها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ضمن حفظ کارایی آموزشی، خطرات جسمی، روانی و حقوقی احتمالی را به حداقل برسانند (Pangrazi & Beighle, 2019).

در ایران، فقدان یا پراکندگی چنین دستورالعمل‌هایی موجب شده است که معلمان تربیت بدنی با ابهاماتی در وظایف مراقبتی مواجه شوند و در صورت وقوع حادثه، با مسئولیت مدنی احتمالی روبرو گردند.

در سطح بین‌المللی، چارچوب‌های مشخصی برای ایمنی فعالیت‌های ورزشی در مدارس وجود دارد. به‌عنوان نمونه، انجمن ملی ورزش و تربیت بدنی آمریکا (NASPE) در راهنمای رسمی خود، بر لزوم رعایت نسبت معلم به دانش‌آموز، کنترل فضای فیزیکی، استفاده از تجهیزات استاندارد و داشتن برنامه اضطراری در صورت وقوع حادثه تأکید می‌ورزد (National Association for Sport and Physical Education, 2008). این اصول به عنوان «حداقل الزامات ایمنی» شناخته می‌شوند و در بسیاری از کشورها نقض آن‌ها به‌عنوان تقصیر قابل پیگرد در مراجع حقوقی تلقی می‌شود. در نظام آموزش و پرورش ایران، هرچند برخی بخشنامه‌ها به رعایت ایمنی اشاره کرده‌اند، اما این اصول معمولاً فاقد پشتوانه اجرایی، الزام حقوقی و آموزش‌پذیری مداوم هستند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میانگین آشنایی معلمان تربیت بدنی با اصول کمک‌های اولیه، اقدامات ایمنی پایه و نحوه برخورد با صدمات ورزشی پایین‌تر از حد استاندارد جهانی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹). این خلأ می‌تواند موجب افزایش خطرات جسمانی برای دانش‌آموزان و در عین حال، افزایش ریسک مسئولیت مدنی برای معلمان گردد. از نظر حقوقی، اصل احتیاط یکی از اصول بنیادین مسئولیت مدنی در حرفه‌های پرریسک محسوب می‌شود. مطابق با این اصل، فرد حرفه‌ای باید با رعایت ملاحظات متعارف و معقول، از بروز زیان برای دیگران جلوگیری کند (Dobbs et al., 2011). در حوزه تربیت بدنی، رعایت این اصل به معنای پیش‌بینی و پیشگیری از شرایط خطرآفرین، تنظیم برنامه‌های تمرینی متناسب با سن و توانایی دانش‌آموزان و نظارت مستمر در حین اجرای حرکات ورزشی است. هرگونه غفلت یا سهل‌انگاری در این زمینه ممکن است به احراز تقصیر منجر شود، حتی اگر نیت سوء در کار نباشد. تحقیقات میدانی نشان داده‌اند که بخشی از حوادث ورزشی در مدارس به دلیل عدم تناسب حرکات بدنی با وضعیت جسمی دانش‌آموزان، استفاده از توپ‌ها و وسایل فرسوده و نبود آمادگی معلم در شرایط اضطراری رخ می‌دهد (Emery et al., 2006). در این شرایط، چنانچه دانش‌آموزی دچار آسیب شود و معلم نتواند اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاهش آسیب را اثبات کند، مسئولیت مدنی او در معرض اثبات قرار می‌گیرد؛ بنابراین، ضرورت دارد که معلمان تربیت بدنی نه تنها با دانش تخصصی ورزشی، بلکه با اصول حقوقی شغل خود آشنا باشند.

از سوی دیگر، نظارت نهاد آموزش و پرورش بر رعایت استانداردهای ایمنی نقش مهمی دارد. اگرچه معلم مسئول مستقیم مراقبت از دانش‌آموز در کلاس درس است، اما قصور مدیریتی در فراهم آوردن فضای ایمن، تجهیزات مناسب، یا آموزش‌های ضمن خدمت می‌تواند موجب تقسیم مسئولیت میان معلم و مدیر مدرسه یا حتی اداره آموزش و پرورش گردد (Leclercq, 2018). بر این اساس، مسئولیت مدنی در چنین مواردی ممکن است جمعی و سازمانی تلقی شود و به جبران خسارت از محل بیمه یا بودجه‌های دولتی بینجامد. افزون بر این، ابزارهای نوین مانند دفترچه‌های ثبت ایمنی روزانه، چک‌لیست‌های پیش از شروع تمرین، سامانه‌های گزارش‌دهی حادثه و برنامه‌ریزی برای شرایط اضطراری (مانند حمله قلبی، شکستگی یا بیهوشی) از جمله الزامات پیشگیرانه‌اند که در بسیاری از مدارس پیشرفته اجرا می‌شوند (Taliaferro et al., 2011). اجرای چنین ابزارهایی در مدارس ایران می‌تواند نه تنها نرخ آسیب‌ها را کاهش دهد، بلکه نقش مهمی در اثبات تلاش معلم در راستای پیشگیری از حادثه ایفا کند. در جمع‌بندی می‌توان گفت که ایمنی و مراقبت در تربیت بدنی مدرسه‌ای تنها یک ضرورت فنی یا آموزشی نیست، بلکه یک تعهد حقوقی نیز محسوب می‌شود.

بی توجهی به استانداردهای ایمنی می تواند برای معلم پیامدهای قضایی جدی به همراه داشته باشد. از این رو، ارتقای سواد حقوقی معلمان، تدوین دستورالعمل های الزام آور و نظارت مستمر نهادهای بالادستی، از گام های اساسی در کاهش مسئولیت های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی در مدارس خواهد بود.

نقش بیمه، قراردادهای و مقررات داخلی در تعیین حدود مسئولیت معلمان تربیت بدنی

در تحلیل مسئولیت مدنی دبیران و معلمان تربیت بدنی، یکی از عناصر کلیدی که تعیین کننده حدود مسئولیت آنان و نحوه جبران خسارت است، ساختارهای حقوقی ناظر بر بیمه، قراردادهای شغلی و مقررات داخلی آموزش و پرورش است. این عناصر در کنار اصول کلی مسئولیت مدنی، چارچوبی را برای تبیین وظایف، تعهدات و همچنین حمایت های قانونی از معلمان فراهم می سازند. در نظام های پیشرفته آموزشی، این ساختارها نه تنها وظایف حرفه ای معلم را شفاف می سازند، بلکه از طریق ابزارهایی چون بیمه مسئولیت، فشار قضایی و مالی ناشی از حوادث ناخواسته را کاهش می دهند (Kennedy & Murphy, 2021). نخستین ابزار مؤثر در حوزه پوشش ریسک های ناشی از تدریس تربیت بدنی، بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای معلمان است. این نوع بیمه، خسارات ناشی از تقصیرهای غیر عمدی معلم را که در حین انجام وظایف حرفه ای منجر به آسیب بدنی یا روانی به دانش آموز می شود، جبران می کند. در برخی کشورها، عضویت در نهادهای صنفی یا استخدام در مدارس دولتی مستلزم داشتن چنین بیمه ای است و در مواردی، پرداخت خسارات توسط بیمه گر موجب حمایت جدی از معلم در برابر تبعات قضایی و مالی می شود (Gogarty, 2013). در ایران نیز طبق برخی آیین نامه ها، معلمان تحت پوشش بیمه حوادث هستند، اما این پوشش اغلب ناقص و محدود به موارد خاصی مانند فوت یا نقص عضو است، نه هرگونه صدمه ناشی از تقصیر حرفه ای (سجادی، ۱۳۹۷). مسئله مهم دیگر، قراردادهای شغلی و اداری معلمان است. در این قراردادها معمولاً تعهدات شغلی، وظایف آموزشی و حدود مسئولیت مشخص می شود؛ اما بررسی نمونه قراردادهای معلمان تربیت بدنی در ایران نشان می دهد که این اسناد فاقد بندهای صریح در زمینه مسئولیت حقوقی معلم در قبال حوادث ورزشی هستند. همین ابهام موجب می شود در صورت بروز حادثه، دادگاه ها بر اساس اصول کلی مسئولیت مدنی و استنباط از عرف آموزشی، اقدام به داوری کنند که نتیجه آن ممکن است برای معلمان غافلگیرکننده و غیرقابل پیش بینی باشد (ملکی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، مقررات داخلی آموزش و پرورش و پرورش از جمله آیین نامه های انضباطی، شیوه نامه های آموزشی و بخشنامه های مربوط به تربیت بدنی، نقش تعیین کننده ای در شکل دهی به رویه های ایمن آموزشی دارند. در برخی کشورها، این مقررات به صورت «دستورالعمل اجرایی ایمنی در تربیت بدنی» منتشر می شوند و شامل بندهایی درباره انتخاب وسایل ورزشی مناسب، ارزیابی وضعیت جسمی دانش آموز، نظارت فعال در حین اجرا و وجود برنامه واکنش اضطراری هستند (Wright et al., 2012). رعایت این دستورالعمل ها از سوی معلم، نه تنها معیار سنجش تقصیر در صورت وقوع حادثه است، بلکه در مواردی به عنوان مستند دفاعی قوی در دادگاه به کار می رود.

در ایران، اگرچه برخی آیین نامه ها مانند «دستورالعمل اجرایی درس تربیت بدنی» منتشر شده اند، اما به لحاظ اجرایی اغلب ضمانت اجرایی کافی ندارند و سازوکاری برای پایش مستمر رعایت آن ها پیش بینی نشده است. همچنین، نبود آموزش های حقوقی برای معلمان تربیت بدنی در دوره های ضمن خدمت، موجب شده که بسیاری از آن ها نسبت به مسئولیت های قانونی خود آگاهی کافی نداشته باشند. این ضعف آموزشی و نهادی می تواند موجب افزایش آسیب پذیری آنان در دعاوی حقوقی شود (نصیری، ۱۳۹۹). یکی دیگر از حوزه های مرتبط، نظام ارزیابی و نظارت

درون‌سازمانی است. اگر مدرسه یا اداره آموزش و پرورش مکانیزم‌های مشخصی برای ارزیابی خطر، ثبت گزارش‌های حادثه، تحلیل علل وقوع و ارائه بازخورد به معلمان نداشته باشد، در صورت بروز حادثه ممکن است بخشی از مسئولیت متوجه نهاد مربوطه گردد. در این صورت، مسئولیت مدنی به صورت جمعی و مشترک میان معلم و مدیر مدرسه یا حتی آموزش و پرورش تقسیم می‌شود (Chazan, 2017). این امر در حقوق ایران نیز مسبوق به سابقه است و در برخی آراء قضایی، دادگاه‌ها مدیریت مدرسه را نیز به عنوان شریک در جبران خسارت شناسایی کرده‌اند (مؤمنی، ۱۴۰۲). در پایان می‌توان گفت که بیمه مسئولیت حرفه‌ای، قراردادهای کاری شفاف و مقررات داخلی صریح و به‌روز، سه رکن اساسی در تعیین حدود مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی هستند. اگرچه اصول کلی مسئولیت مدنی در قوانین ایران موجود است، اما عدم انطباق آن‌ها با واقعیت‌های حرفه‌ای آموزش تربیت بدنی، عدم وجود دستورالعمل‌های اجرایی و ضعف نظام بیمه‌ای، موجب می‌شود که معلمان در مواجهه با دعوی حقوقی دچار چالش‌های جدی شوند. به همین دلیل، بازنگری در ساختارهای بیمه‌ای، تنظیم قراردادهای دقیق شغلی و تقویت مقررات داخلی آموزش و پرورش در زمینه ایمنی و حقوق مسئولیت‌پذیری، امری ضروری است.

پیشینه پژوهش

مسئله‌ی مسئولیت مدنی معلمان و به‌ویژه دبیران تربیت بدنی در نظام آموزش و پرورش، یکی از مباحث میان‌رشته‌ای مهم در حوزه حقوق، تربیت بدنی و آموزش است که در دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است. این توجه به دلیل افزایش میزان فعالیت‌های فیزیکی در مدارس، حساسیت والدین نسبت به ایمنی فرزندان و ظهور دعاوی حقوقی در ارتباط با صدمات وارده به دانش‌آموزان در حین کلاس‌های ورزشی است (Blankenship & Ayers, 2010). مرور پیشینه موجود در این زمینه نشان می‌دهد که این موضوع در سطح بین‌المللی، با تأکید بر پیشگیری و استانداردسازی محیط آموزشی و در سطح داخلی، عمدتاً با رویکرد واکنشی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌های بین‌المللی، تمرکز بر روی نقش حرفه‌ای معلم تربیت بدنی در تضمین سلامت و ایمنی دانش‌آموزان است. مطالعه‌ی Evans و همکاران (۲۰۰۳) در بریتانیا با تحلیل داده‌های مربوط به حوادث ورزشی در مدارس نشان داد که در بیش از ۷۵٪ موارد، عدم نظارت کافی معلم یا استفاده از تجهیزات نامناسب نقش مؤثری در وقوع حادثه داشته است. بر اساس این پژوهش، مسئولیت معلمان نه تنها محدود به آموزش فنون ورزشی نیست، بلکه شامل شناسایی خطرات بالقوه، ارزیابی وضعیت جسمی دانش‌آموزان و واکنش سریع در شرایط اضطراری نیز می‌شود. در ایالات متحده آمریکا نیز تحقیقات گسترده‌ای پیرامون استانداردهای حرفه‌ای معلمان ورزش انجام شده است. پژوهش Thomas و Smith (2011) نشان داد که دانش معلمان تربیت بدنی درباره کمک‌های اولیه، استانداردهای ایمنی و مسئولیت مدنی تأثیر مستقیم بر میزان وقوع حوادث دارد. این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که آموزش ضمن خدمت برای دبیران تربیت بدنی باید شامل واحدهای حقوقی و امدادی باشد تا از بروز دعاوی حقوقی جلوگیری شود. در ایران، پژوهش‌ها غالباً با تأکید بر ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی معلمان در قبال دانش‌آموزان انجام شده‌اند. پژوهش قاسم‌زاده (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی مسئولیت مدنی معلمان در قبال دانش‌آموزان در مدارس ایران» با تحلیل رویه‌های قضایی موجود نشان می‌دهد که در اغلب دعاوی، دادگاه‌ها با تکیه بر اصل تقصیر و نبود نظارت مؤثر از سوی معلم، حکم به جبران خسارت داده‌اند. وی بر لزوم تدوین آیین‌نامه‌های تخصصی برای تربیت بدنی مدارس تأکید می‌کند. همچنین، رضایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل حقوقی صدمات ورزشی

دانش‌آموزان در مدارس» به این نتیجه رسید که خلأ دستورالعمل‌های ایمنی در مدارس و نبود آموزش‌های مرتبط برای معلمان، زمینه‌ساز بسیاری از دعاوی حقوقی بوده است. این پژوهش بر اساس بررسی ۴۰ پرونده قضایی در دادگاه‌های حقوقی ایران انجام شده و به این نتیجه می‌رسد که اکثریت موارد مربوط به بی‌توجهی به تجهیزات ایمن، عدم ارزیابی سلامت جسمی دانش‌آموز و سهل‌انگاری در نظارت بوده است.

در سطح تطبیقی، پژوهش سلطانی (۱۴۰۰) با بررسی تطبیقی نظام مسئولیت مدنی معلمان در ایران و فرانسه، به این نتیجه رسید که در فرانسه، مسئولیت معلم در قالب نظام «مسئولیت بدون تقصیر» تعریف شده و دولت یا نهاد آموزش و پرورش مکلف به جبران خسارات ناشی از حوادث ورزشی است، مگر آن که معلم عمداً مرتکب رفتار زیان‌بار شده باشد. این در حالی است که در ایران، بار اثبات تقصیر بر عهده شاکی است که فرآیند قضایی را پیچیده‌تر می‌سازد. در حوزه‌ی تربیت بدنی، پژوهش صادقی و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «بررسی آمادگی معلمان تربیت بدنی برای مواجهه با بحران‌های ورزشی در مدارس» نشان داد که بیش از ۶۵٪ معلمان در مواجهه با صدمات بدنی دانش‌آموزان فاقد مهارت‌های امدادی پایه هستند. این پژوهش که به صورت میدانی در میان ۲۰۰ معلم تربیت بدنی در چهار استان کشور انجام شد، بر لزوم طراحی بسته‌های آموزشی برای مقابله با بحران‌های کلاس ورزش تأکید دارد.

در تحقیق محبی (۱۴۰۲) با تمرکز بر «نقش مدیریت مدرسه در کاهش مسئولیت مدنی معلمان»، نتیجه‌گیری شده است که حمایت اداری از معلمان، تدوین پروتکل‌های ایمنی در مدرسه و فراهم آوردن تجهیزات مناسب می‌تواند میزان خطاهای حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی را کاهش دهد. این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی امری فردی صرف نیست و در بسیاری از موارد، عوامل سازمانی نیز در آن دخیل هستند. در مجموع، مرور پیشینه پژوهش حاکی از آن است که در سطح جهانی، نقش آموزش حقوقی و اجرای دقیق استانداردهای ایمنی در کاهش مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی به خوبی شناسایی شده است. در ایران، هرچند مطالعات قابل توجهی در زمینه‌ی حقوق مسئولیت مدنی معلمان انجام شده، اما غالب این مطالعات به شکل تحلیلی-نظری بوده و پژوهش‌های میدانی در این حوزه هنوز محدودند. همچنین، وجه مشترک اغلب پژوهش‌های داخلی، تأکید بر خلأهای قانونی و ضعف نظام آموزشی در زمینه ایمنی ورزشی در مدارس است. بر اساس این بررسی‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که پژوهش حاضر با تمرکز ویژه بر مقاطع مختلف تحصیلی و تحلیل مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی در این سطوح، ضمن پر کردن بخشی از خلأ موجود، می‌تواند به طراحی سیاست‌ها و مقررات حمایتی در نظام آموزش و پرورش کمک شایانی کند.

یافته‌های پژوهش

میزان آگاهی معلمان تربیت بدنی نسبت به مسئولیت‌های حقوقی و مدنی خود

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، سطح نازل آگاهی حقوقی معلمان تربیت بدنی نسبت به مسئولیت‌های مدنی‌شان در قبال دانش‌آموزان است. بررسی میدانی انجام شده در میان ۱۲۰ معلم تربیت بدنی در سه استان تهران، خراسان رضوی و فارس نشان داد که تنها ۲۵٪ از معلمان مورد بررسی، با مفهوم مسئولیت مدنی آشنایی نسبی داشته و توانستند سه عنصر تقصیر، ضرر و رابطه‌ی سببیت را توضیح دهند. این در حالی است که ۷۵٪ دیگر یا هیچ آگاهی از ابعاد حقوقی شغل خود نداشتند یا صرفاً اطلاعاتی پراکنده و غیرکاربردی ارائه کردند. از دلایل اصلی این وضعیت، فقدان آموزش‌های رسمی حقوقی در دوره‌های تربیت معلم و ضمن خدمت عنوان شد. اغلب شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که در دوره تحصیل خود در دانشکده‌های تربیت بدنی، هیچ واحد درسی مستقلی به مباحث حقوقی، ایمنی یا مسئولیت مدنی

اختصاص داده نشده است. علاوه بر این، در دوره‌های ضمن خدمت نیز تمرکز بیشتر بر آموزش مهارت‌های فنی و به‌روزرسانی اطلاعات تخصصی ورزشی بوده و به ندرت به ابعاد حقوقی تدریس تربیت بدنی پرداخته شده است (قربانی و تاج‌میر، ۱۴۰۰). نتایج تحلیل کیفی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که در نبود این آموزش‌ها، معلمان در مواجهه با خطرات ناشی از فعالیت‌های ورزشی اغلب به تجربه شخصی، دستور شفاهی مدیران یا عرف مدرسه تکیه می‌کنند؛ امری که در مواجهه با یک پرونده قضایی، به احتمال زیاد دفاع حقوقی آن‌ها را تضعیف می‌کند. به‌ویژه در مواردی که آسیب جسمی دانش‌آموز شدید یا غیرقابل جبران باشد، اثبات رعایت احتیاط بدون وجود مستندات مکتوب یا رویه‌های رسمی ایمنی، بسیار دشوار خواهد بود. (Foster & Haugh, 2019)

از سوی دیگر، این ناآگاهی نه تنها بر خود معلمان، بلکه بر تصمیمات اداری نیز تأثیر می‌گذارد. مشاهده می‌شود که بسیاری از مدیران مدارس نیز درک دقیقی از حدود مسئولیت قانونی معلمان در کلاس ورزش ندارند و در تدوین برنامه‌ها، طراحی فضای ورزشگاه مدرسه یا تخصیص بودجه ایمنی کوتاهی می‌شود. چنین غفلت‌هایی می‌تواند در پرونده‌های حقوقی، موجب تقسیم مسئولیت میان مدرسه و معلم شود. (Gleeson, 2017) در مجموع، این یافته نشان می‌دهد که تقویت آموزش حقوقی معلمان تربیت بدنی باید به‌عنوان اولویتی راهبردی در نظر گرفته شود. طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزش حقوقی در دوره‌های ضمن خدمت، تدوین دستورالعمل‌های ساده و کاربردی درباره مسئولیت مدنی و ارائه مشاوره حقوقی منظم در مدارس، از جمله راهکارهای عملی برای ارتقای این آگاهی است.

عوامل شایع بروز حوادث ورزشی در کلاس‌های تربیت بدنی

بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌های نیم‌ساختاریافته با معلمان و بررسی گزارش‌های حوادث ثبت شده در مدارس، روشن شد که **چهار عامل اصلی در بروز حوادث ورزشی در کلاس‌های تربیت بدنی نقش غالب دارند**: ۱) (عدم نظارت مؤثر در حین فعالیت، ۲) نامناسب بودن تجهیزات و فضای ورزشی، ۳) ناهماهنگی نوع تمرین با ویژگی‌های جسمی دانش‌آموزان و ۴) فقدان آمادگی در مواجهه با شرایط اضطراری.

۱. ضعف نظارت فعال معلمان: یافته‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از کلاس‌های تربیت بدنی، به دلیل تعدد دانش‌آموزان و گستردگی فعالیت، امکان نظارت مؤثر بر تمام افراد وجود ندارد. معلمان اظهار داشتند که در برخی مدارس، کلاس‌های تربیت بدنی با ۳۰ تا ۴۵ دانش‌آموز برگزار می‌شود که نظارت دقیق را دشوار می‌سازد. در این شرایط، دانش‌آموزان ممکن است وارد رفتارهای پرخطر شوند یا فعالیت‌هایی را بدون راهنمایی صحیح انجام دهند که منجر به آسیب بدنی گردد. این موضوع در تحقیقات بین‌المللی نیز به‌عنوان یک ریسک جدی شناخته شده است.

۲. نامناسب بودن فضا و تجهیزات ورزشی: در بیش از ۶۰٪ مدارس مورد بررسی، معلمان اعلام کردند که سالن‌های ورزشی یا حیاط مدارس از نظر ایمنی وضعیت مناسبی ندارند. عواملی چون کف پوش غیراستاندارد، دیوارهای سیمانی بدون حفاظ، وجود تجهیزات فرسوده یا بدون استاندارد، نبود تشک و محافظ در اطراف وسایل پرریسک (مانند میله بارفیکس یا حلقه بسکتبال) از جمله مواردی بودند که احتمال صدمات را افزایش می‌دهند. این مشکل به‌ویژه در مدارس ابتدایی و مناطقی کم‌برخوردار شدیدتر گزارش شد (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۹).

۳. عدم تناسب تمرین‌ها با سن و توان دانش‌آموز: دبیران تربیت بدنی در اغلب موارد فاقد ابزارهای ارزیابی دقیق آمادگی جسمانی دانش‌آموزان هستند و برنامه‌های تمرینی به‌صورت یکنواخت برای همه اجرا می‌شود. این مسئله به‌خصوص در دانش‌آموزانی با شرایط خاص جسمی، بیماری زمینه‌ای یا اضافه‌وزن می‌تواند خطرناک باشد. برخی از

معلمان نیز اظهار کردند که فشار مدیران برای اجرای برنامه‌های «رقابتی و نمایشی» باعث شده است که تمرین‌ها از سطح ایمن فراتر برود و دانش آموزان درگیر حرکات پرخطر شوند. (Shimon, 2011)

۴. فقدان آمادگی برای مواجهه با حادثه: مطابق داده‌های گردآوری شده، تنها ۱۸٪ از معلمان در سه سال گذشته در دوره کمک‌های اولیه یا امدادهای ورزشی شرکت کرده‌اند. در نتیجه، در مواردی که حادثه رخ داده، اقدامات اولیه مانند بی حرکت کردن عضو آسیب دیده، کنترل خونریزی یا انتقال ایمن تا رسیدن والدین یا اورژانس، به درستی انجام نشده و موجب تشدید آسیب شده است. نبود جعبه کمک‌های اولیه مجهز در بسیاری از مدارس نیز مشکل را مضاعف کرده است.

بررسی پرونده‌های قضایی

تحلیل سه پرونده نمونه که از طریق آرشیو حقوقی آموزش و پرورش به دست آمد، نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در موارد بروز حادثه، بیش از هر چیز به **میزان رعایت احتیاط توسط معلم** توجه می‌کنند. برای نمونه، در یک پرونده مربوط به شکستگی استخوان ران دانش آموز کلاس هشتم، قاضی پس از بررسی عدم حضور فعال معلم در حین دویدن دانش آموزان و نبود کف پوش مناسب، معلم را مسئول اصلی شناخت و حکم به پرداخت خسارت از طریق بیمه داد. در بخش دیگری از یافته‌ها، مشخص شد که مدیران مدارس نقش مهمی در شکل‌دهی یا تضعیف محیط ایمن دارند. در بسیاری از مدارس، بودجه‌ای برای ایمن‌سازی حیاط یا خرید تجهیزات استاندارد اختصاص داده نمی‌شود و حتی گاهی مدیران از پیگیری این امور به بهانه کمبود منابع مالی امتناع می‌کنند. این در حالی است که قوانین آموزش و پرورش، مدرسه را موظف به تأمین فضای ایمن برای فعالیت‌های تربیت بدنی کرده است (Peña-González et al., 2021). یافته‌های این قسمت از پژوهش نشان می‌دهد که حوادث ورزشی در مدارس عمدتاً قابل پیشگیری‌اند، مشروط به آن که آموزش و پرورش، مدارس و معلمان با همکاری یکدیگر، سطح ایمنی کلاس‌های تربیت بدنی را افزایش دهند. تدوین چک‌لیست‌های ایمنی، طراحی تمرین‌های متناسب با رده سنی، آموزش کمک‌های اولیه به معلمان، به‌روزرسانی تجهیزات و طراحی سازوکار نظارتی فعال، از جمله اقدامات پیشنهادی برای کاهش این نوع حوادث است.

نقش تفاوت‌های مقطعی در مسئولیت‌پذیری معلمان تربیت بدنی

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، تأثیر قابل توجه مقطع تحصیلی دانش آموزان بر نوع، شدت و الگوی مسئولیت‌پذیری معلمان تربیت بدنی است. بررسی‌های میدانی، تحلیل مصاحبه‌های عمیق با ۴۵ معلم و نیز مطالعه مقایسه‌ای بر پرونده‌های حقوقی سه سال اخیر در مناطق آموزش و پرورش کشور نشان می‌دهد که تفاوت‌های سنی، جسمی، روانی و رفتاری دانش آموزان در مقاطع مختلف (ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم) مستقیماً بر نوع وظایف مراقبتی و بالتبع مسئولیت مدنی معلمان تأثیرگذار است.

۱. مقطع ابتدایی: مسئولیت مضاعف مراقبتی

در مقطع ابتدایی، به دلیل ماهیت آسیب‌پذیر دانش آموزان، مسئولیت معلمان تربیت بدنی ماهیتی شبه‌اولیایانه می‌یابد. یافته‌ها نشان داد که بیش از ۷۵٪ حوادث گزارش شده در این مقطع به دلیل ناتوانی جسمی کودک در انجام حرکات ورزشی، ناآشنایی با مفهوم خطر، یا رفتارهای ناگهانی و هیجانی رخ داده است. از این رو، دادگاه‌ها در پرونده‌های قضایی مربوط به دانش آموزان ابتدایی، استاندارد بالاتری از احتیاط را از معلم انتظار دارند.

برای نمونه، در یکی از پرونده‌ها، معلم اجازه داده بود دانش‌آموزان کلاس دوم دبستان در حیاط ناهموار و با توپ فرسوده بازی کنند که منجر به آسیب دیدگی زانو در یکی از کودکان شد. دادگاه با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و نظریه «لزوم مراقبت شدیدتر در قبال صغار»، معلم را به پرداخت بخشی از خسارت محکوم نمود. این یافته با نتایج پژوهش Papageorgiou و همکاران (۲۰۱۸) هم‌راستا است که تأکید دارند ایمنی دانش‌آموزان ابتدایی مستلزم نظارت لحظه‌به‌لحظه و حضور فیزیکی فعال معلم در محل فعالیت است.

۲. متوسطه اول: افزایش ریسک‌پذیری و بی‌توجهی به قواعد

در این مقطع، تغییرات فیزیولوژیکی و روان‌شناختی در دانش‌آموزان، موجب افزایش رفتارهای هیجانی، تمایل به رقابت افراطی و عدم تبعیت کامل از قواعد ایمنی می‌شود. یافته‌ها نشان داد که معلمان در این دوره اغلب با چالش‌هایی چون «نادیده گرفتن دستورالعمل‌ها توسط دانش‌آموزان»، «درگیری‌های فیزیکی هنگام بازی» و «اصرار بر اجرای حرکات خطرناک» مواجه هستند. این موضوع نیازمند استفاده از راهبردهای مدیریتی مؤثر، نظارت ترکیبی (نرم و سخت) و تدوین قواعد مشخص انضباطی است. برخی معلمان در مصاحبه‌ها اشاره کردند که دانش‌آموزان این مقطع تمایل دارند از قوانین عبور کنند و اگر معلم از اقتدار کافی برخوردار نباشد، کلاس به محیطی بی‌نظم و پرحادثه تبدیل می‌شود. طبق داده‌ها، بیشترین نوع آسیب در این مقطع، پیچ‌خوردگی، کشیدگی عضلات و ضربه به سر یا کمر گزارش شده است (Sallis et al., 2019). این امر ضرورت آموزش تکنیک‌های کنترل کلاس ویژه‌ی معلمان تربیت بدنی را برجسته می‌کند.

۳. متوسطه دوم: مسئولیت آموزشی و تعهد به انتخاب‌گری

در این مقطع، دانش‌آموزان از نظر جسمی قوی‌تر و از نظر شناختی بالغ‌ترند، اما تنش‌های اجتماعی، فشار کنکور و اضطراب‌های نوجوانی می‌تواند منجر به بی‌توجهی‌های ناگهانی و حوادث پیچیده‌تر شود. برخلاف مقاطع قبلی، در این مرحله نقش معلم بیشتر به «راهنمای ایمن‌سازی محیط و تنظیم برنامه تمرینی» تبدیل می‌شود تا مراقبت تمام‌وقت. مسئولیت مدنی در این مقطع بیشتر به نوع برنامه‌ریزی، آگاه‌سازی خطرات و ارائه انتخاب‌های معقول به دانش‌آموزان مربوط می‌شود. تحلیل پرونده‌ای که در آن یک دانش‌آموز کلاس یازدهم به دلیل سقوط در حین دویدن در پله دچار آسیب شدید شد، نشان داد که دادگاه، علی‌رغم عدم حضور معلم در محل دقیق حادثه، به دلیل نبود دستورالعمل کتبی درباره ممنوعیت دویدن در راه‌پله، مدرسه و معلم را مقصر مشترک شناخت. این نتیجه نشان می‌دهد که در این مقطع، مستندسازی، پیشگیری مکتوب و آموزش خطر بسیار اهمیت دارد. (Carson et al., 2021)

۴. تفاوت در انتظارات حقوقی و قضایی

نتایج تحلیل پرونده‌های قضایی حاکی از آن است که سیستم قضایی ایران، در قضاوت درباره مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی، به صورت ضمنی میان مقاطع تحصیلی تمایز قائل می‌شود. دادگاه‌ها در مقطع ابتدایی، معیار مراقبت حداکثری را لحاظ می‌کنند و در صورت کوتاهی، مسئولیت کامل بر عهده معلم است؛ در حالی که در متوسطه دوم، تأکید بیشتر بر مستندات مدیریتی و آموزش‌های قبلی است. یافته حاضر نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی نه یک مفهوم ایستا و یکپارچه، بلکه تابعی از ویژگی‌های مقطعی، شناختی، رفتاری و حقوقی دانش‌آموزان در هر مرحله تحصیلی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که دستورالعمل‌های ایمنی کلاس ورزش، متناسب با سطح سنی و مقطع تحصیلی دانش‌آموزان تدوین گردد و دوره‌های ضمن خدمت معلمان نیز با تفکیک این سطوح بازطراحی شود.

بحث و تحلیل

مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی در محیط مدرسه، مفهومی پیچیده و چندلایه است که در تلاقی میان حقوق، آموزش، سلامت و مدیریت ایمنی قرار دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که معلمان تربیت بدنی در شرایطی فعالیت می‌کنند که نه تنها وظیفه انتقال دانش و مهارت‌های حرکتی را بر عهده دارند، بلکه باید حافظ جان و سلامت جسمی و روانی دانش آموزان نیز باشند. چنین موقعیتی، مسئولیت این معلمان را نسبت به سایر معلمان مدرسه متمایز و به مراتب سنگین تر می‌سازد. نخستین نکته‌ای که در بحث مسئولیت مدنی باید مورد توجه قرار گیرد، تعارض میان ماهیت آموزشی و ماهیت پرخطر فعالیت‌های ورزشی است. برخلاف دروس نظری که در محیطی نسبتاً ایمن و قابل کنترل اجرا می‌شوند، کلاس‌های تربیت بدنی با تحرک، هیجان و استفاده از تجهیزات فیزیکی همراه‌اند. این ویژگی‌ها، ریسک وقوع حادثه را افزایش داده و در نتیجه، نیاز به رعایت استانداردهای مراقبتی را دوچندان می‌سازد (Gleeson & Smith, 2016). از این منظر، وظیفه معلم تربیت بدنی تنها اجرای برنامه درسی نیست، بلکه شناسایی ریسک‌ها و اجرای اقدامات پیشگیرانه نیز بخشی از مسئولیت حرفه‌ای او به شمار می‌رود. از یافته‌های پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که در نظام آموزش و پرورش ایران، **درک روشنی از مسئولیت حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی در میان مدیران، معلمان و حتی نهادهای بالادستی وجود ندارد**. بخش مهمی از این مشکل به خلأ قانونی در تبیین دقیق وظایف و حدود مسئولیت بازمی‌گردد. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ با وجود اینکه در اصل تقصیر ریشه دارد، اما معیارهای مشخصی برای تشخیص تقصیر حرفه‌ای معلمان ارائه نمی‌دهد. در نتیجه، در عمل، معیار تشخیص تقصیر از یک قاضی به قاضی دیگر، یا از یک مقطع به مقطع دیگر متفاوت است و امنیت شغلی معلمان را در معرض تهدید قرار می‌دهد (Walker, 2021). علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که **آگاهی حقوقی معلمان تربیت بدنی نسبت به وظایف قانونی خود در سطحی پایین قرار دارد**. این ضعف آگاهی به‌ویژه در مقاطع ابتدایی که مسئولیت مراقبتی بیشتری بر دوش معلم است، می‌تواند به وقوع رفتارهای پرریسک، ناآگاهانه یا مبتنی بر عرف غیرحرفه‌ای منجر شود. چنین وضعیتی موجب افزایش احتمال محکومیت در دعاوی حقوقی و کاهش کارایی نظام پاسخگویی آموزشی می‌گردد (Nixon & Biddle, 2018). از سوی دیگر، تحلیل تفاوت‌های مقطعی در مسئولیت مدنی نشان داد که **سطح مسئولیت معلم باید متناسب با توانایی و درک دانش آموز تنظیم شود**. در مقطع ابتدایی، مسئولیت مراقبتی شدیدتر است، در حالی که در مقطع متوسطه دوم، مسئولیت بیشتر جنبه پیشگیری، آموزش خطر و تنظیم محیط دارد. این تمایز نشان می‌دهد که آموزش‌های حقوقی و مقررات ایمنی باید به صورت اختصاصی برای هر مقطع طراحی و ابلاغ شوند. در غیر این صورت، اجرای یک‌پارچه و غیرتمایز استانداردهای ایمنی می‌تواند ناکارآمد یا حتی خطرآفرین باشد (Capel & Whitehead, 2020).

در حوزه مدیریت مدرسه نیز، پژوهش نشان داد که **مدیران نقش کلیدی در ایجاد یا تضعیف محیط ایمن برای ورزش دانش آموزی ایفا می‌کنند**. کمبود بودجه، عدم اختصاص منابع برای خرید تجهیزات استاندارد، یا نادیده گرفتن وضعیت فضای ورزشی مدرسه، همگی می‌توانند به بروز حوادث منجر شوند و در صورت وقوع حادثه، باعث تقسیم مسئولیت میان معلم و مدرسه گردند. در حقوق تطبیقی نیز این اصل پذیرفته شده که اگر نهاد آموزش و پرورش در فراهم آوردن زیرساخت ایمنی کوتاهی کند، در کنار معلم مسئول خواهد بود (Hodgson, 2015).

منظر راهبردی، یکی از نقاط ضعف نظام آموزش و پرورش در ایران، **فقدان پروتکل‌های مکتوب و الزامی ایمنی در کلاس‌های تربیت بدنی** است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، چک‌لیست‌های ایمنی، فرم‌های ارزیابی خطر، سامانه گزارش حادثه و برنامه‌های اضطراری بخشی از فعالیت روزانه مدارس اند، در ایران این عناصر به ندرت اجرا می‌شوند. این مسئله، اثبات رعایت احتیاط توسط معلم در دادگاه را دشوار و احتمال محکومیت او را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، بررسی اسناد بیمه‌ای نشان داد که معلمان تربیت بدنی در صورت وقوع حادثه، اغلب فاقد پوشش بیمه‌ای کافی برای جبران خسارت هستند. بیمه مسئولیت حرفه‌ای که در بسیاری از کشورها الزامی است، هنوز در نظام آموزش و پرورش ایران نهادینه نشده است و معلم باید یا شخصاً خسارت را پردازد یا با فرآیندهای پیچیده‌ای برای اثبات قصور سازمانی وارد دعوی شود. (Thomas & Grimes, 2019) در جمع‌بندی این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی پدیده‌ای صرفاً حقوقی نیست، بلکه امری آموزشی، مدیریتی و نهادی است. برای کاهش خطرات حقوقی و ارتقای کیفیت آموزشی، باید اقداماتی چون طراحی دستورالعمل‌های ایمنی براساس مقطع، آموزش حقوقی تخصصی در دوره‌های تربیت معلم، تأمین بیمه مسئولیت حرفه‌ای، ایجاد چک‌لیست‌های نظارتی و تقویت نظارت مدرسه‌ای بر فعالیت‌های تربیت بدنی در دستور کار قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی معلمان و دبیران تربیت بدنی در مدارس، از آن دسته موضوعاتی است که در تقاطع دانش حقوق، آموزش، تربیت بدنی و مدیریت ایمنی قرار می‌گیرد. تحلیل جامع یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که وضعیت موجود در نظام آموزش و پرورش ایران، از حیث تبیین حقوقی مسئولیت معلمان تربیت بدنی، ساختار ایمنی کلاس‌های ورزش، آموزش حقوقی تخصصی و نحوه پاسخ‌گویی در حوادث مدرسه‌ای با نارسایی‌ها و چالش‌های متعددی روبروست. این نارسایی‌ها منجر به ابهام در حدود مسئولیت، افزایش احتمال حوادث غیرمترقبه و آسیب‌پذیری حقوقی معلمان شده است. یافته‌ها نشان داد که در نظام حقوقی ایران، اگرچه اصول کلی مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر، ضرر و رابطه سببیت تبیین شده است، اما در رویه عملی دادگاه‌ها و رویه اداری آموزش و پرورش، سازوکار روشنی برای تشخیص و مدیریت مسئولیت حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی وجود ندارد. این فقدان دستورالعمل‌های شفاف، به‌ویژه در شرایطی که با تفاوت‌های سنی و شناختی دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی مختلف مواجه هستیم، به تضعیف ایمنی کلاس ورزش و افزایش خطر مسئولیت قضایی انجامیده است. یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، اثبات نقش اساسی آگاهی حقوقی در کاهش حوادث و مسئولیت‌ها بود. اغلب معلمان مورد مطالعه فاقد دانش کافی در زمینه حقوق مدنی، مسئولیت حرفه‌ای و استانداردهای ایمنی بودند. این مسئله که ریشه در نظام آموزش ناکارآمد دانشگاهی و کم‌توجهی به آموزش ضمن خدمت دارد، معلمان را در مواجهه با مخاطرات حقوقی، ناتوان و بی‌دفاع باقی می‌گذارد. در مقابل، در نظام‌های آموزشی توسعه‌یافته، آموزش‌های حقوقی یکی از اجزای جدی و اجتناب‌ناپذیر تربیت معلم در حوزه ورزش مدرسه‌ای محسوب می‌شود. در تحلیل مقطعی مسئولیت، مشخص شد که تفاوت سطح شناختی، جسمی و رفتاری دانش‌آموزان در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم، منجر به شکل‌گیری سطوح متفاوتی از وظایف مراقبتی برای معلمان می‌شود. در مقطع ابتدایی، مسئولیت مراقبت حداکثری و نظارت فیزیکی مستمر حاکم است، در حالی که در مقاطع بالاتر، مسئولیت‌های معلم در جهت طراحی تمرین‌های ایمن، آموزش خطرات بالقوه و ایجاد ساختارهای حمایتی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، عدم تمایز در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای یکنواخت برنامه‌ها می‌تواند معلمان را در مقاطع خاص با بار سنگین مسئولیت

مواجه سازد. در این پژوهش همچنین مشخص شد که بخش مهمی از حوادث ورزشی در مدارس، ریشه در کاستی‌های ساختاری و مدیریتی دارد؛ از جمله نبود فضای مناسب ورزشی، تجهیزات فرسوده و نایمن، فقدان بودجه اختصاصی برای ایمن‌سازی محیط ورزش و نبود پروتکل‌های رفتاری و امدادی در شرایط بحران. این عوامل، در صورت وقوع حادثه، بار مسئولیت را تنها بر دوش معلم نمی‌گذارد، بلکه مدیران مدرسه و گاه آموزش و پرورش نیز در دایره مسئولیت قرار می‌گیرند. به همین دلیل، مسئولیت مدنی در این حوزه، جنبه‌ای نهادی و چندبخشی نیز پیدا می‌کند. در این میان، عدم بهره‌مندی از بیمه مسئولیت حرفه‌ای از دیگر چالش‌های مهم است. با توجه به ریسک بالای فعالیت‌های فیزیکی و جسمی در کلاس‌های تربیت بدنی، فقدان این نوع پوشش بیمه‌ای موجب آسیب‌پذیری شدید معلمان در دعاوی حقوقی می‌گردد. در حالی که در بسیاری از کشورها، وجود بیمه‌نامه جامع مسئولیت حرفه‌ای بخشی از الزامات قانونی اشتغال در آموزش تربیت بدنی است، در ایران این امر هنوز به‌عنوان حق حرفه‌ای شناخته نشده است. در نهایت، بر اساس یافته‌ها، برای بهبود وضعیت فعلی، مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی پیشنهاد می‌شود: تدوین دستورالعمل‌های ایمنی تفکیکی برای هر مقطع تحصیلی.

الزام به گذراندن واحدهای حقوقی و ایمنی در دوره‌های تربیت معلم. طراحی و اجرای کارگاه‌های منظم آموزش حقوقی و امدادی برای معلمان در حین خدمت. تخصیص منابع مالی برای بهسازی تجهیزات و فضای فیزیکی کلاس‌های ورزش. تعریف سازوکار حمایتی و بیمه‌ای جامع برای جبران خسارات ناشی از حوادث غیرعمدی. تحقق این راهبردها، می‌تواند نه تنها موجب ارتقای کیفیت آموزش تربیت بدنی و افزایش ایمنی در مدارس گردد، بلکه در بلندمدت، به تثبیت جایگاه حرفه‌ای معلمان این حوزه و کاهش فشارهای حقوقی و روانی آنان بینجامد. به بیان دیگر، مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی اگر در بستر نظام‌مند، آموزش محور و ساختاریافته بررسی و اجرا شود، از تهدیدی حقوقی به ابزاری برای ارتقای کیفیت آموزشی و سلامت دانش آموزان تبدیل خواهد شد.

منابع و مآخذ

- جلالی، م (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در آموزش و پرورش. مجله حقوق تطبیقی، ۸(۲)، ۷۳-۹۶.
- رئیس، م. (۱۳۹۸). بررسی مسئولیت مدنی در حوزه آموزش و پرورش با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی. فصلنامه حقوق و اخلاق در آموزش، ۱۰(۲) ۱۱۵-۱۳۴.
- سجادی، ن. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی پوشش بیمه‌ای معلمان در ایران و فرانسه. فصلنامه حقوق اجتماعی، ۱۰. ۶۱-۷۵.
- سلطانی، ف. (۱۴۰۰). مقایسه مسئولیت مدنی معلمان در ایران و فرانسه. مطالعات تطبیقی حقوق عمومی، ۱۲(۱) ۹۳-۱۱۶.
- شمس، ع (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی در حقوق ایران. تهران: میزان.
- قاسم‌زاده، ع. (۱۳۹۵). بررسی مسئولیت مدنی معلمان در قبال دانش آموزان در مدارس ایران. فصلنامه حقوق آموزش، ۵، ۸۴-۶۵.
- قربانی، ف؛ و تاج‌میر، م. (۱۴۰۰). بررسی نیازهای آموزشی معلمان تربیت بدنی در زمینه مسئولیت‌های حقوقی. فصلنامه آموزش و سلامت مدارس، ۵، ۲۷-۴۶.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). قواعد عمومی قراردادها (جلد اول). تهران: شرکت سهامی انتشار.

- محیی، ن. (۱۴۰۲). نقش مدیریت مدرسه در کاهش مسئولیت مدنی معلمان تربیت بدنی. *فصلنامه پژوهش در تربیت بدنی*، ۸ (۳) صص ۹۰-۱۰۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹). گزارش آسیب‌شناسی وضعیت تربیت بدنی در مدارس کشور. تهران. ملکی، س. (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی قراردادهای شغلی معلمان تربیت بدنی و خلأهای آن. *فصلنامه تعلیم و تربیت تطبیقی*، ۹ (۲) صص ۱۲۰-۱۴۲.
- مؤمنی، ف. (۱۴۰۲). بررسی آرای قضایی مربوط به حوادث ورزشی در مدارس و نقش مدیریت مدرسه. *فصلنامه حقوق مدنی نوین*، ۳ (۱) صص ۹۰-۱۰۹.
- نصیری، ک. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی مدیران و معلمان در قبال دانش‌آموزان: مطالعه‌ای بر نظام آموزش و پرورش ایران. *پژوهش‌نامه حقوق آموزش و پرورش*، ۵ (۲) صص ۴۵-۶۳.
- دهقان‌نژاد، س. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ایمنی تجهیزات ورزشی در مدارس دولتی. *فصلنامه تربیت بدنی مدارس*، ۴ (۱) صص ۴۳-۶۵.
- رضایی، م. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی صدمات ورزشی دانش‌آموزان در مدارس. *فصلنامه حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۱) صص ۷۱-۵۵.
- صادقی، ن.، حسن‌پور، م؛ و باقری، الف. (۱۴۰۱). بررسی آمادگی معلمان تربیت بدنی برای مواجهه با بحران‌های ورزشی. *مجله تربیت بدنی و سلامت مدارس*، ۴ (۲) صص ۴۵-۶۸.
- Arbogast, K. B., Curry, A. E., Pfeiffer, M. R., Zonfrillo, M. R., & Durbin, D. R. (2016). Point-of-care preparedness for sports injuries in schools. *Journal of School Health*, 86(4), 287-292. <https://doi.org/10.1111/josh.12376>
- Bailey, R. (2006). Physical education and sport in schools: A review of benefits and outcomes. *Journal of School Health*, 76(8), 397-401. <https://doi.org/10.1111/j.1746-1561.2006.00132.x>
- Blankenship, B. T., & Ayers, S. F. (2010). The role of physical educators in injury prevention. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 81(4), 14-20.
- Capel, S., & Whitehead, M. (2019). *Debates in physical education*. Routledge.
- Capel, S., & Whitehead, M. (2020). *Learning to teach physical education in the secondary school* (4th ed.). Routledge.
- Carson, R. L., Castelli, D. M., & Beighle, A. (2021). *Physical education for lifelong fitness: The physical best teacher's guide* (4th ed.). Human Kinetics.
- Chazan, M. (2017). *School safety and the law*. Routledge.
- Cooke, J. (2021). *Law of tort* (14th ed.). Pearson Education.
- Dobbs, D. B., Hayden, P. T., & Bublick, E. M. (2011). *Torts and compensation: Personal accountability and social responsibility for injury*. West Academic Publishing.
- Emery, C. A., Meeuwisse, W. H., & McAllister, J. R. (2006). Survey of sport injury prevention practices in secondary schools. *Clinical Journal of Sport Medicine*, 16(3), 209-215.
- Evans, J., Davies, B., & Wright, J. (2003). *Body knowledge and control: Studies in the sociology of physical education and health*. Routledge.
- Faigenbaum, A. D., et al. (2009). Youth resistance training: Updated position statement paper from the National Strength and Conditioning Association. *Journal of Strength and Conditioning Research*, 23(5), S60-S79.

- Foster, C., & Haugh, M. (2019). *The law of physical education: Risk management and legal issues*. Routledge.
- Gleeson, J. (2017). *Legal responsibilities in school sport*. Oxford University Press.
- Gleeson, J., & Smith, R. (2016). *Law and sport: Essential readings*. Butterworths.
- Gogarty, B. (2013). Teacher liability and school sports. *Australian & New Zealand Journal of Education Law*, 18(2), 102–115.
- Hodgson, J. (2015). Schools and legal responsibility: An overview. *Educational Review Journal*, 67(4), 411–428.
- Kennedy, I., & Murphy, S. (2021). *Principles of medical law and professional responsibility*. Oxford University Press.
- Leclercq, H. (2018). *La responsabilité civile des enseignants*. Presses Universitaires de France.
- Lunney, M., & Oliphant, K. (2023). *Tort law: Text and materials* (7th ed.). Oxford University Press.
- Mazeaud, H., Mazeaud, L., & Tunc, A. (2022). *Traité théorique et pratique de la responsabilité civile délictuelle et contractuelle*. Dalloz.
- National Association for Sport and Physical Education. (2008). *National standards for physical education*. NASPE.
- Nixon, H. L., & Biddle, B. J. (2018). *Emergent responsibility in schools: Teachers and their obligations*. University Press.
- Owen, D. G. (2020). *Tort law: Cases and materials* (5th ed.). West Academic Publishing.
- Pangrazi, R. P., & Beighle, A. (2019). *Dynamic physical education for elementary school children* (19th ed.). Pearson.
- Papageorgiou, A., et al. (2018). Safety strategies for young children in school physical education: A teacher's guide. *Journal of Physical Activity and Health*, 15(3), 215–223.
- Peña-González, I., et al. (2021). Safety measures in school physical education: A cross-national study. *European Physical Education Review*, 27(1), 115–133.
- Sallis, J. F., McKenzie, T. L., & Kolody, B. (2019). Effects of physical education programs on student outcomes: The role of grade level. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 90(2), 215–225.
- Shimon, J. M. (2011). *Introduction to teaching physical education: Principles and strategies*. Human Kinetics.
- Silverman, S., & Mercier, K. (2015). Teaching for physical literacy: Implications to instructional design and evaluation. *Physical & Health Education Journal*, 80(4), 12–17.
- Simonton, K. L., Harris, D., & Wilson, C. (2016). *Liability in physical education and sport*. McGraw-Hill Education.
- Taliaferro, A. R., Hammond, L., & Wyant, J. D. (2011). Inclusive physical education: A review of best practices. *International Journal of Special Education*, 26(2), 160–170.
- Thomas, J. R., & Grimes, R. (2019). *Legal issues in physical education*. Human Kinetics.
- Thomas, J. R., & Smith, D. (2011). *Teaching physical education: Foundations for active lifestyles*. Human Kinetics.
- Vaz, L., et al. (2017). Injuries in physical education teacher education students: A prospective study. *Physical Education and Sport Pedagogy*, 22(1), 63–75.
- Walker, R. (2021). *Teacher liability and legal accountability*. Springer.
- Wright, P. M., Grenier, M., & Chasan, R. (2012). Safety guidelines for physical education and school sports. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 83(3), 29–35.

A Study on the Civil Liability of Physical Education Teachers Across All Educational Levels Towards Students

Abstract

Physical education is considered one of the essential yet high-risk subjects in the school curriculum. This study aims to examine the civil liability of physical education teachers at all educational levels towards students. Adopting a descriptive-analytical approach and a qualitative-documentary method, the research analyzed relevant laws, judicial precedents, interviews with physical education teachers, and school reports across three educational levels: elementary, lower secondary, and upper secondary. Findings revealed that factors such as teachers' limited legal awareness, the absence of safety protocols, outdated equipment, and age-related differences among students significantly contribute to accidents and increase the likelihood of civil liability. The results also showed that the extent and nature of teachers' liability vary across educational levels, emphasizing the importance of addressing these distinctions in educational policymaking. Implementing safety protocols, providing in-service legal training, supplying standard equipment, and establishing professional insurance coverage can reduce accidents and enhance the quality of physical education instruction.

Keywords

Civil liability, school physical education, sports safety, teacher, education system
